

پیش خدمت

رمان

نیتا پروز

مترجم: محمد جعفر پور

www.ketab.ir



نشر نون
رمان خارجی



نشر نون
NOON
BOOK

سرشناسه: پروز، نیتا

Prose, Nita

عنوان و نام پدیدآور: پیشخدمت: رمان / نیتا پروز؛ مترجم محمدجعفرپور؛ ویراستار محمد قبا.

مشخصات نشر: تهران: نشر نون، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۳۵۲ص.

فروست: منظومه داستان ترجمه: ۲۰۰.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۶۶-۵۹-۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: [2022], The maid: a novel,

موضوع: داستان‌های کانادایی — قرن ۲۱ م.

Canadian fiction — 21st century

شناسه افزوده: جعفرپور، سیدمحمد، ۱۳۷۶-، مترجم

رده‌بندی کنگره: PR۹۱۹۹/۴

رده‌بندی دیویی: ۸۱۳/۶

شماره کتابشناسی ملی: ۸۸۴۲۶۳۱

نیتا پروز

مترجم: محمدجعفرپور

پیشخدمت

مقدمه: حواشی: نشر: الهام راشدی

ویراستار: محمد قبا

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ دوم: ۱۴۰۲

لیتوگرافی و چاپ: آرمانسا

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۶۶-۵۹-۸

ISBN: 978-622-7566-59-8

کانال تلگرام: telegram.me/noonbook

تلفن و شبکه اجتماعی: ۰۹۳۸ ۴۱۱ ۸۳۲۲

NOONBOOK.IR

noonpub@gmail.com

هرگونه برداشت از متن اعم از بازنویسی، نمایشنامه و... از تمام یا قسمتی از این

کتاب به هر شیوه، منوط به اجازه کتبی و قبلی از ناشر است.

NOON Publisher

http://instagram.com/noonbook

noonpub@gmail.com

+98-938 411 8322



منظومه داستان ترجمه - ۲۰۰

Printed in IRAN

NOONBOOK.IR

@NOONBOOK

#نشرنون

پیش از شروع



من پیشخدمت توام. کسی که اتاق تو را تمیز می‌کند، کسی که مثل شبج وارد اتاق می‌شود، در حالی که تو کل روز را مشغول ولگردی و خوش گذرانی هستی. و هیچ نگران این نیستی که چه کثافتی از خود به جا گذاشته‌ای یا در نبودت ممکن است من چه چیزهایی ببینم.

من کسی‌ام که سطل زباله‌ات را خالی می‌کند و قبض و رسیدهایی را دور می‌ریزد که دلت نمی‌خواهد کسی از آن‌ها خبردار شود. من کسی‌ام که ملاقات را تعویض می‌کند، کسی که می‌فهمد اصلاً روی آن خوابیده‌ای و اینکه دیشب تنها بوده‌ای یا نه. من کسی‌ام که کفش‌هایت را جلوی در جفت می‌کند، کسی که بالش‌های تو را پف‌دار و روی آن‌ها تار مویی صاف و بلند پیدا می‌کند. موی خودت است؟ احتمالاً نه. من کسی‌ام که هر موقع مست می‌گنی و به توالت گند می‌زنی، آنجا را تمیز می‌کند.

وقتی کارم تمام شد، اتاقم مثل روز اول ناب و دست‌نخورده می‌شود. تخت‌خوابت با چهار بالش گرد و قلمبه مرتب شده، طوری که انگار تا آن لحظه کسی روی آن دراز نکشیده. گرد و خاک و چرک و کثافتی که از خودت به جا گذاشته‌ای به دست فراموشی سپرده می‌شود. آینه برق افتاده چهره بی‌گناht را منعکس می‌کند. مثل اینکه هیچ گاه آنجا نبوده‌ای. مثل اینکه همه کثافت کاری‌هایت، همه دروغ‌ها و حيله‌هایت به کلی پاک شده باشند.

من پیشخدمت توام. خیلی چیزها درباره‌ات می‌دانم. اما زمانی که موعدهش فرا برسد، تو چه چیزی راجع به من می‌دانی؟